

## بررسی تاثیر فضای مجازی و نقش آن در خشونت علیه زنان

### در نظام حقوقی ایران و بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

دکتر محبوبه کهزادی<sup>۱</sup>

معصومه کهزادی

دانشجوی کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد خوراسگان

#### چکیده

این پژوهش باهدف بررسی تاثیر فضای مجازی و نقش آن در خشونت علیه زنان در نظام حقوقی ایران و بین الملل صورت گرفته است. خشونت خانگی یا خشونت علیه زنان در خانواده، شایع ترین شکل خشونت علیه آنهاست که در آن، رفتار خشن یکی از اعضای خانواده (معمولاً مرد) نسبت به یکی دیگر از اعضای خانواده (معمولاً زن) است. سازمان ملل، خشونت را چنین تعریف کرده است: هر نوع عمل خشونت آمیزی است که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی، جنسی یا روانی زنان بیانجامد یا احتمال منجر شدن آن به این نوع آسیبها و رنجها وجود داشته باشد؛ مانند تهدید به این گونه اعمال، زورگویی یا محروم سازی خودسرانه از آزادی، خواه در حضور عموم یا در زندگی خصوصی روی دهد. خشونت علیه زنان پدیده ای است که زن به دلیل جنسیت خود، جنس مخالف (مرد) به او اعمال زور و حق وی را ضایع می کند. در این تحقیق خاصه به بررسی تاثیر فضای مجازی و نقش و جایگاه آن در خشونت علیه زنان مورد بررسی یوکنکاش قرار گرفته تا بیشتر با این مقوله نوظهور و خطرناک که باعث مشکلات زیادی در جامعه شده است آشنا و روند قانونی آن در حقوق ایران و بین الملل مورد کنکاش قرار گیرد.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، اینترنت، خشونت، زنان

## مقدمه

یکی از معضلات اجتماعی دنیای کنونی، خشونت علیه زنان و گسترش آن در حوزه های دیگری چون فضای مجازی است. پدیده خشونت علیه زنان چه در محیط خانواده و چه در سطح جامعه، نه تنها امری غیرقابل انکار بلکه در حال رشد است. عبدالعزیز مولودی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی در یادداشتی در روزنامه قانون، نوشته است: البته عده ای معتقدند که خشونت ها همان هایی هستند که در گذشته بودند، ولی زنان دیگر زنان سابق نیستند. از این رو، اعتقاد بر این است که گسترش دامنه آگاهی های عمومی و تخصصی زنان، تاثیر مستقیمی بر انتشار موارد خشونت و آزار جنسی از سوی آنها داشته و از این نظر تفاوت جدی با دنیای گذشته دارد. اما مشکل این است که باوجود تلاش های سازمان های غیردولتی، جنبش های اعتراضی زنان و حمایت های بین المللی از حقوق زنان و آسیب دیدگان خشونت، شاهد آن هستیم که این خشونت ها به فضای مجازی هم وارد شده و به عبارت درست تر، می توان گفت که بزهکاران و خشونت ورزان در فضای واقعی جامعه، بخشی از اقدامات خود را به فضای مجازی انتقال داده اند. اقداماتی که خشونت ورزان در فضای مجازی انجام می دهند، متنوع است. معمولا به نام زنان صفحه های جعلی ساخته می شود، زنان ترور شخصیتی می شوند، شماره های تماس زنان در صفحه جعلی به عنوان ارائه کنندگان خدمات جنسی منتشر می شود، به صفحات زنان فعال حمله می شود، با کلمات زشت و تهدید آمیز پیام برای زنان گذاشته می شود و ده ها نوع خشونت دیگر که متأسفانه صورت می گیرد. این آزار و اذیت ها باعث می شود که زنان به طور ناخودآگاه از نظر روانی تحت تاثیر قرار بگیرند و احتمالا اقدام به خودسانسوری بکنند. بسیاری از زنان، با پدیده خشونت به خاطر جنسیت خود مواجه هستند. خشونت علیه زنان مرز مشخصی ندارد و همه جوامع، نژادها و فرهنگ ها را شامل می شود. این امر، هم زنان را قربانی و هم خانواده و جامعه را آسیب پذیر کرده است. در عین حال گسترش دسترسی به اینترنت، انتشار وسیع و سریع اطلاعات و وجود شبکه های اجتماعی، باعث شده است تا خشونت علیه زنان بعد گسترده تری پیدا کند. اعتقاد بر این است که هر نوع تهدید، تحقیر و توهینی که زنان در فضای مجازی تجربه می کنند، تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر زیست روزمره و فعالیت های فردی و اجتماعی آنان در بسترهای اجتماعی متفاوت از جمله مجازی و

غیرمجازی می‌گذارد و زندگی آنان و در بسیاری از موارد سایر اعضای خانواده آنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد. خشونت و آزارهایی که زنان در بستر فضای مجازی تجربه می‌کنند در ابتدا روانی- کلامی است اما به مرور زمان و در صورت عدم مقابله، به سایر انواع خشونت حتی در برخی موارد خشونت فیزیکی نیز تبدیل می‌شود. خشونت در فضای مجازی، اگرچه ساختاری مشابه خشونت در جهان زندگی روزمره دارد، اما امکانات دنیای فناوری، لایه‌های این نوع خشونت را پیچیده‌تر و اثرش را شدیدتر کرده است. به طور معمول، هزینه خشونت در فضای دیجیتال برای شخص آزارگر کمتر از جهان خارج از شبکه است. در فضای مجازی شخص آزارگر ممکن است هرگز شناخته نشود و با اندکی احتیاط و مهارت، حتی از پیگیری قانونی مصون بماند. این بعد از قضیه است که خشونت مجازی را سخت‌تر و تاثیر آن را عمیق‌تر کرده است. در این شرایط، شخص آزاردهنده می‌تواند اقدامات خود را از محیط ملی به بین‌المللی گسترش دهد و افراد بیشتری را در معرض تهدید قرار دهد. به عبارت دیگر، پدیده خشونت علیه زنان، امری جهانی و از این رو، نیازمند اقدامی جهانی نیز است. یک کارشناس حوزه زنان، معتقد است توهین و آزارهای جنسی آنلاین همان تاثیری را دارند که زنان در زندگی واقعی با آزارها و توهین‌های جنسیتی آن‌را تجربه می‌کنند. وی می‌گوید با افشاگری و انتشار محتوای توهین‌آمیز و زن‌ستیز پیغام‌های برخی کاربران، شاهد کاهش حمله و توهین و آزارهای جنسی آنلاین در صفحات شخصی بوده است. بسیاری بر این باورند که آزارهای جنسی آنلاین روی سلامت روح و روان کاربران تاثیر چندانی ندارد اما به جرات می‌توان گفت آزارهای جنسی آنلاین به همان اندازه دنیای واقعی تاثیرگذارند. این گروه معتقد هستند، روش افشاگرانه‌ای که علیه کاربران زن ستیز به‌کار گرفته می‌شود تا امروز نتیجه خوبی داشته است. به نظر می‌رسد تجربه زیسته این آدم‌ها و نوع مواجهه آن‌ها با پدیده خشونت علیه زنان در فضای مجازی- یعنی مقابله با خشونت‌گر از طریق افشا و بازنشر پیام‌های ارسالی-، می‌تواند روش مناسبی برای روبه‌رو شدن با این پدیده باشد. در عین حال باید بر این نکته تاکید کرد که ارائه اطلاعات آگاه‌کننده در فضای مجازی، عامل موثری در ایجاد اعتماد به نفس به کاربران از هر قشر و طبقه‌ای با هر ویژگی جنسیتی مخصوصا برای زنان، نقش پیشگیرانه موثری دارد. نباید از نظر دور داشت که به علت وجود برخی تهدیدها و خشونت‌های موجود علیه زنان در فضای مجازی، نمی‌توان حکم به تعطیلی آن یا محدود کردن آزادی عمل کاربران داد.

### بخش اول: بیان مساله

خشونت در همه انواع آن به عنوان یک رفتار ناپسند همواره می‌تواند آثار جبران ناپذیر جسمی، روحی و روانی بر افراد جامعه داشته باشد، اما در این میان خشونت علیه کودکان و زنان اثرات گسترده‌تریزان‌بارتری دارد، زیرا به پایه‌های خانواده و آینده جامعه صدمه می‌زند. خشونت کلامی، اقتصادی، فضای مجازی و دیگر خشونت‌ها از مواردی هستند که به افراد جامعه مخصوصاً زنان لطمات بیشتری می‌زند زیرا یا قوانین حمایتی در آن ناکارآمد است یا چهره‌های نامرئی در آن دخیل هستند. پدیده خشونت علیه زنان چه در محیط خانواده و چه در سطح جامعه، نه تنها امری غیرقابل انکار بلکه در حال رشد به نظر می‌رسد. خشونت کلامی غالباً محرک و مقدمه خشونت فیزیکی خطرناک است. خشونت کلامی موجب آسیب روانی، محرک آسیب جسمی، عامل انتقام‌گیری و ایجاد دور تسلسل خشونت و جرم و جنایت در جامعه است. خشونت؛ آسیب اصلی کشور به حساب می‌آید و متأسفانه اگر خشونت و خشم در جامعه افزایش پیدا کند، به تبع؛ میزان نزاع و درگیری بین مردم نیز افزایش پیدا می‌کند. در این میان خشونت کلامی مقدم بر سایر انواع خشونت است. گرچه خود از عوامل متعدد فردی، خانوادگی، و اجتماعی ناشی می‌شود، اما زمینه‌ساز انواع خشونت فیزیکی و جرائم و جنایات است و سلامت روانی و امنیت جامعه را تهدید می‌کند. از جمله علل خشونت و پرخاشگری می‌تواند فقر باشد. شرایط اجتماعی و اقتصادی نابسامان و وضع آشفته زندگی افراد، منجر به ایجاد و شکل‌گیری فضای نومیدی و یأس در میان مردم می‌شود. در چنین شرایطی افراد خشونت را تنها راه رسیدن به خواسته‌ها و مطالباتشان می‌دانند.

### بخش دوم: اهمیت و ضرورت

یکی از معضلات اجتماعی دنیای کنونی، خشونت علیه زنان و گسترش آن در حوزه‌هایی چون فضای مجازی است. البته عده‌ای معتقدند که خشونت‌ها همان‌هایی هستند که در گذشته بودند، ولی زنان دیگر زنان سابق نیستند. از این رو، اعتقاد بر این است که گسترش دامنه آگاهی‌های عمومی و تخصصی زنان، تأثیر مستقیمی بر انتشار موارد خشونت و آزار جنسی از سوی آن‌ها داشته و بزهکاران و خشونت‌ورزان در فضای واقعی جامعه، بخشی از اقدامات خود را به فضای مجازی انتقال داده‌اند. اقداماتی که خشونت‌ورزان در

فضای مجازی انجام می‌دهند، متنوع است. معمولاً به نام زنان صفحه‌های جعلی ساخته می‌شود، زنان ترور شخصیتی می‌شوند، شماره‌های تماس زنان در صفحه جعلی به عنوان ارائه‌کنندگان خدمات جنسی منتشر می‌شود، به صفحات زنان فعال حمله می‌شود، با کلمات زشت و تهدیدآمیز پیام برای زنان گذاشته می‌شود و ده‌ها نوع خشونت دیگر که متأسفانه صورت می‌گیرد. این آزار و اذیت‌ها سبب می‌شود که زنان به طور ناخودآگاه از نظر روانی تحت تأثیر قرار بگیرند و احتمالاً اقدام به خودسانسوری بکنند. بسیاری از زنان، با پدیده خشونت به خاطر جنسیت خود مواجه هستند. خشونت علیه زنان مرز مشخصی ندارد و همه جوامع، نژادها و فرهنگ‌ها را شامل می‌شود. این امر، هم زنان را قربانی و هم خانواده و جامعه را آسیب پذیر کرده است. گسترش دسترسی به اینترنت، انتشار وسیع و سریع اطلاعات و وجود شبکه‌های اجتماعی، سبب شده است تا خشونت علیه زنان بعد گسترده تری پیدا کند. اعتقاد بر این است که هر نوع تهدید، تحقیر و توهینی که زنان در فضای مجازی تجربه می‌کنند، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر زیست روزمره و فعالیت‌های فردی و اجتماعی آنان در بسترهای اجتماعی متفاوت از جمله مجازی و غیرمجازی می‌گذارد و زندگی آنان و در بسیاری از موارد سایر اعضای خانواده آنان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

### **بخش سوم: خشونت علیه زنان و پیامدهای آن**

خشونت پدیده‌ای تاریخی است که در ادوار گذشته نیز وجود داشته است. اما علیرغم پیشرفت‌های روزافزون بشری این پدیده هنوز هم پا برجاست و فارغ از ملیت، نژاد، طبقه اجتماعی و حتی میزان توسعه یافتگی کشورها همچنان خشونت جزئی از زندگی روزمره شده است. خشونت هرچند پدیده‌ای تاریخی است لیکن یک پدیده اجتماعی نیز می‌باشد، اگرچه میزان و شدت آن در کشورها، فرهنگ‌ها و حتی در خرده فرهنگ‌های گوناگون متفاوت می‌باشد اما بعنوان یک پدیده چند بعدی هم علت و هم معلول بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است. یکی از دلایل توجه به مسئله خشونت در غرب بدلیل نیاز به اشاعه مفاهیم دموکراسی آزادی و برابری در حوزه خصوصی یعنی خانواده بود چرا که این مفاهیم تا آن زمان فقط در حوزه عمومی یعنی جامعه مطرح بود بنابراین در جوامع مختلف حرکتی شکل گرفت که مهمترین درخواست آن دادن حقوق برابر اجتماعی و مدنی به افراد ضعیف‌تر درون خانواده بود. همان‌گونه که اعمال خشونت در جامعه به مجازات افراد خاطی می‌

انجامید باید خشونت در خانواده نیز طرد می شد. سازمان بهداشت جهانی خشونت را اینگونه تعریف می کند: استفاده عمدی و آگاهانه از قدرت و نیروی جسمی بصورت تهدید یا عملی بر علیه خود، بر علیه فرد دیگری یا بر علیه گروهی از جامعه که منجر به ایجاد جراحت، مرگ، آسیب روحی و روانی، عقب ماندگی یا فقر و محرومیت شود، این تعریف که آگاهی و تعهد را ملازم با خشونت می داند، اعمالی مانند بی توجهی و آزار و اذیت روانی ناشی از روابط قدرت را نیز شامل می داند، خشونت به انواع خود آزاری شامل خودکشی یا خود زنی، بین افراد از جمله خشونت خانوادگی و بستگان نزدیک و خشونت اجتماعی و گروهی تقسیم می کند (کراک ۲۰۰۲ بنقل از: مامسن)

### بخش چهارم: بحث و نظر

خانواده عنصر اصلی جامعه است که بر اساس محبت، عاطفه و وابستگی بنا گردیده است. نقش زن بعنوان عاملی تعیین کننده در خانواده حائز اهمیت بسیار می باشد. در ایران بسیاری از آسیب های اجتماعی در ارتباط با خانواده است. مسایلی چون فرار دختران، اعتیاد فرزندان، خودسوزی دختران، خودکشی جوانان، افزایش طلاق و خشونت های خانگی همه بنوعی به وضعیت خانواده ها بستگی دارد. خشونت در خانواده و بر علیه زنان در تمام کشورها دیده می شود و خاص کشور، قوم یا فرهنگ خاصی نیست خشونت ایجاد کننده مشکلات هم در سطح فردی و نیز در سطح اجتماعی است. در مورد خشونت علیه زنان به علت تفاوت های فرهنگی و برخی هنجار های اجتماعی تعریف دقیق صورت صورت نگرفته است، بطوری که می توان پیوستاری از سیلی خوردن که یک آزار جسمی جزئی است تا کشته شدن و قتل را خشونت نامید. (شهنی ییلاق، ۱۳۷۸) در خصوص میزان شیوع خشونت به جز برخی کشور ها مانند، امریکا، کانادا و استرالیا در دیگر کشور ها به علت روشن نبودن قوانین و گزارشات رسمی اطلاعات دقیقی وجود ندارد (شهنی، ۱۳۷۶) پژوهشگران اعتقاد دارند در بروز خشونت علیه زنان عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دخیل می باشند (قهاری، ۱۳۸۱) آمارهای منتشره از پژوهش های مختلف نشان داده که بین ۲۵ درصد تا ۳۳ درصد همسران در محیط خانوادگی از نظر جسمی یا روانی مورد خشونت قرار گرفته اند که این امر می تواند روابط اقتداری در جامعه را تشدید و در باز تولید خشونت در

خانواده ها نقش داشته باشد. ( شریفیان، ۱۳۸۵ ) توجه علمای علوم اجتماعی به پدیده خشونت در خانواده باعث شده که خشونت از یک مشکل کم اهمیت و درونی شده به یک مسئله اجتماعی قابل توجه تبدیل گردد. چرا که سلامت جامعه با سلامت خانواده پیوند مستقیم دارد. در کشورهای غربی از حدود سه دهه ی پیش پدیده خشونت مورد توجه قرار گرفت افرادی که در کار خود با خشونت روبرو می شدند. مانند مددکاران، معلمین مدارس، پزشکان، پرستاران، افراد پلیس و جرم شناسان سعی در شناخت و تعیین عوامل موثر در ظهور این پدیده کردند. به تدریج جنبش های حامی حقوق زنان و کودکان نیز نگاه خود را متوجه این پدیده کردند و با گردهمایی ها و سخنرانی ها و راه پیمایی ها سعی در جلب افکار عمومی نمودند. سازمان های بین المللی تلاش زیادی در جهت طرح، بسط و حمایت از این موضوع کردند و با صدور بیانیه ها و درخواست از دولت های عضو خواستار مقابله با خشونت را شدند

### **بخش پنجم: سابقه تاریخی بررسی خشونت علیه زنان در ایران**

در ایران بحث خشونت خانوادگی برای مدتی طولانی مسکوت گذاشته شده بود و درباره آن بحث نمی شد اما به علت توجهی که افراد مختلف در حوزه کاری خود به این پدیده نشان دادند و هم چنین به علت تأکیدی که در اجلاس ۱۹۹۵ پکن بر محور نگران کننده خشونت علیه زنان به وجود آمد و دولت ها موظف به از میان بردن یا کاهش آن شدند. هم چنین به سبب آغاز فعالیت های سازمان های غیر دولتی و افزایش خشونت های خانوادگی و مطرح شدن آن از طریق رسانه های عمومی، از سال ۱۳۷۵ به بعد اولین پژوهش های علمی در این حوزه شروع البته در ایران تا چند سال پیش خشونت خانوادگی به مفهوم پدیده ای اجتماعی اصلاً مد نظر نبود و بصورت معمول خشونت رفتار ناپهناجر فردی در نظر گرفته می شد. در سال های اخیر در مورد زنانی که در خانواده از شوهران خود کتک می خورند یک بررسی کیفی انجام شد این تحقیق که بر اساس مصاحبه های عمیق انجام شد، سعی در شناخت ویژگی های مردان و زنانی داشت که در چنین رابطه ای قرار دارند، هم چنین روند شکل گیری خشونت، طبقه بندی خشونت و تحلیل اطلاعات بدست آمده از اهداف این بررسی بود. (اعزازی، ۱۳۸۳)

### **بخش ششم: تعاریف و نظریه ها**

گلز و استراوس<sup>۱</sup> دو پژوهشگری که سال‌ها در زمینه خشونت خانوادگی فعالیت کرده‌اند تعریفی از این پدیده داده‌اند. این دو خشونت را به عنوان رفتاری با قصد و نیت آشکار (یا رفتاری یا قصد و نیت پوشیده اما قابل درک) جهت وارد کردن آسیب بدنی به فرد دیگر تعریف کرده‌اند (گلز و استراوس، ۱۹۷۹: بنقل از همان منبع) در این تعریف خشونت بدنی مد نظر بوده است مکارژی<sup>۲</sup> محقق دیگری که در زمینه خشونت کار می‌کند معتقد است که تعریف او در برگیرنده انواع دیگر خشونت (مخصوصاً خشونت‌های روانی) نیز می‌باشد او از خشونت به عنوان شکل افراطی رفتار پرخاشگرانه نام می‌برد که احتمالاً باعث آسیب مشخص فرد قربانی می‌شود. (مکارژی، ۱۹۸۱: ۸۵ همان منبع) در میان انواع خشونت‌ها اعم از خانوادگی، اجتماعی و دولتی، خشونت‌های خانوادگی یک آسیب جدی اجتماعی است که با وجود پیشرفت‌های فرهنگی و فکری همچنان در جامعه خودنمایی می‌کند. خشونت خانوادگی خشونتی است که در محیط خصوصی بوقوع می‌پیوندد و عموماً در میان افرادی رخ میدهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند و بیشترین میزان آن علیه زنان و کودکان اعمال می‌شود. این واقعیت که زنان آسیب دیده خشونت مردان هستند تا دهه هفتاد پوشیده مانده بود (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۲۳۹) خشونت در سطوح مختلف فرهنگی رخ میدهد و به طبقه خاصی اختصاص ندارد و اعمال این خشونت‌ها افزون بر ایجاد عوارض جسمی و روحی و هزینه‌های درمانی و اجتماعی، پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون افزایش موارد فرار از خانه - افزایش میزان خودکشی و خودسوزی زنان، همسرکشی و بیماری‌های روانی و روحی چون افسردگی را بدنبال دارد. بر مبنای دیدگاه «استانکر» زن بودی عبارت است از آنکه هر لحظه احتمال دارد زن از نظر جنسی یا جسمانی مورد یورش مردان قرار گیرد، استانکر خشونت را یک تجربه معمولی برای زنان می‌دارند (مویر، ۲۰۰۲: ۲۵۳ بنقل از معظمی) با وجود پیامدهای نامطلوب خشونت علیه زنان، هنوز این پدیده در اکثر کشورها از جمله کشور ما به عنوان یک معضل شناخته نمی‌شود و تعریفی عملیاتی از سوء رفتار یا خشونت علیه زنان وجود ندارد. این امر غفلت و پنهان کاری از این پدیده مهم را افزایش می‌دهد. حتی گاهی

---

<sup>۱</sup>Gelles and Straus

<sup>۲</sup>Megaregee



خشونت علیه زن به عنوان رفتاری هماهنگ با شرایط فرهنگی، امری پسندیده و شایسته تلقی می شود. اگر چه پدیده خشونت علیه زنان در تمام جوامع امری شایع است. اما هر چه جوامع فقیرتر، سنتی تر و از نظر فرهنگی در سطحی پایین تر باشند. فراوانی و شدت خشونت علیه زنان بیشتر و پیامدهای آن افزون تر می شود. ( زهروی، ۱۳۷۹ ) طبیعی است که در جامعه ای که خشونت مورد اغماض قرار می گیرد. قربانیان خشونت نیز اعمال خشونت بر خود را می پذیرند یا متهم به ایجاد زمینه مناسب برای اعمال خشونت می شوند. همه کسانی که مورد خشونت قرار می گیرند مقصرانی بالقوه به حساب می آیند و به این ترتیب، مردان زنان و کودکان باور می کنند که خشونت می تواند بعنوان وسیله ای موثر در خانه و اجتماع مورد استفاده قرار گیرد و اگر زمینه ای فراهم شد همه می توانند از خشونت استفاده کنند. ( معظمی، شهلا، ۱۳۸۳: ۴۰ ) رفتار خشونت آمیز و اصرار به تداوم آن، گاه سبب برانگیختن خشمی می شود که بازتاب آن در آزار جسمی شدید بر سر موضوعی بی اهمیت است در این شرایط فرد چنان تحریک می شود که با حرکتی خشونت آمیز ناخواسته موجب قتل همسر خود می گردد( آشوری و معظمی، ۱۳۸۰)

### **بخش هفتم: نظریه های مربوط به خشونت**

#### **بند اول: نظریه نظارت اجتماعی**

با مروری بر نظریه های جامعه شناختی، دیدگاه نظارت اجتماعی از نظریه هایی است که در زمینه خشونت در خانواده می تواند کاربرد داشته باشد. نظریه نظارت اجتماعی بر وجود جرم و رفتار خشونت آمیز در انسان به دلیل انگیزه های درونی یا به سبب عوامل محیطی تاکید دارد. یکی از اصول مورد توجه در این نظریه این است که افراد برای رسیدن به یک هدف، یا دستیابی به اقتدار در برابر دیگران به استفاده از زور و قدرت تمایل دارند. اصل دوم این است که نظارت اجتماعی به مثابه مانعی بر سر راه اقتدار و اعمال خشونت قرار می گیرد و از آنجا که انسان بدون وجود محدودیت های اجتماعی به انجام جرم و جنایت و رفتار نابهنجار تمایل دارد. جامعه باید ساز و کار ( مکانیسم ) نظارت بر آنها را ایجاد کند. گلز در مورد انطباق این نظریه در خانواده سؤال می کند که چرا مردان همسران خود را کتک می زنند. پاسخ ساده این است که چون این عمل مجاز است. در خانواده با غیبت نهادهای نظارتی دولتی روبرو هستیم اما گذشته از آن، نگرشی در خانواده وجود دارد که بر

اساس آن تقسیم قدرت بر حسب جنس است. عبارت دیگر خانواده مکان خصوصی است که در آن، نابرابری میان زن و مرد مورد پذیرش است. نبود نهادهای کنترلی و وجود این نگرش، بروز خشونت در خانواده را تسهیل می کند. به سبب خصوصی بودن خانواده خشونت خانوادگی به جامعه اعلام نمی شود و به این ترتیب امکان نظارت بر آن از طرف سازمان های دولتی (نیروی انتظامی و دادگاه) پیش نمی آید. گلز و اشتراوس این موضوع را این چنین بیان کرده اند: همزمان با بالا رفتن دیوارهای یک خانه و جدا شدن آن از سایر خانه ها کتک زدن هم شروع می شود. در محدوده خصوصی خانه حقوق و وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به فرزندان رنگ می بازد و امکان نظارت اجتماعی از جامعه گرفته می شود در نتیجه نگرشی در خانواده بوجود می آید که در آن مرد قدرت اجرایی مشروع بدست می آورد و زنان و کودکان مسبب تحریک او به رفتار خشونت آمیز قلمداد می شوند. (گلز بنقل از: معظمی ۱۳۸۳: ۴۳)

### **بند دوم: نظریه یادگیری اجتماعی**

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، ریشه های پرخاشگری حدود متغیری دارد از تجربیات گذشته پرخاشگر گرفته تا یادگیری و انواع گوناگونی از عوامل موقعیت خارجی، به این ترتیب که اشخاص وقتی در خانواده های خشن رشد می کنند. خشونت را فرا می گیرند. اغلب مشاهده شده که خشونت از نسلی به نسل دیگر نیز منتقل شده است. اگر چه همه کودکانی که در خانواده های خشن هستند در بزرگسالی لزوماً رفتارهای خشونت آمیز از خود نشان نمی دهند اما وجود تاریخچه خشونت در خانواده خطر وقوع آن را در بزرگسالی افزایش می دهد (نازپرور ۱۳۸۱: ۴۳-۲۵)

### **بخش هشتم: سطوح تبیین خشونت**

#### **بند اول: سطح فردی و خانوادگی**

تبیین در سطح فردی معمولاً رفتار خشن را نتیجه بیماری یا نابهنجاری روانی افراد (مردان) در نظر می گیرد. مردان خشن از لحاظ روانی بیمار با دارای اختلال شخصیتی هستند در این نوع تبیین پیشینه خانوادگی افراد نیز مد نظر قرار می گیرد، آنان که دارای خانواده نابسامان بودند، و آنان که در کودکی خود قربانی خشونت بودند به احتمال زیاد در

اثر روند یادگیری در زندگی خانوادگی خود نیز در نقش قربانی یا عامل خشونت ظاهر خواهند شد.

### **بند دوم: وضعیت اجتماعی و طبقاتی**

سطح دیگر تبیین نظری نگاه خود را متوجه محیط اجتماعی ( طبقه اجتماعی ) کرده و بر عواملی مانند ناکامی، تنش فقر مادی که از دست یابی به اهداف مد نظر جلوگیری می کند. مسکن نامناسب، نداشتن کار مناسب و یا بی کاری را به عنوان عوامل موثر در بروز خشونت تاکید می کند. با توجه به این که شرایط برای طبقات پایینی جامعه پیش از سایر طبقات وجود دارد در نتیجه خشونت نیز در میان افراد این طبقه بیشتر خواهد بود اما انبوهی از بررسی های خشونت مشخص کرده اند که حضور این پدیده فراتر از شرایط طبقاتی جامعه است و عواملی چون تعلق به نژاد، مذهب، قومیت و یا فرهنگ مختلف در آن تاثیر چندانی ندارد.

### **بند سوم: از طریق ساختار جامعه و توزیع نابرابر قدرت**

سطح دیگر تبیین که معمولاً در دیدگاه های فمینیستی کاربرد دارد نگاه خود را توجه ساختار مرد سالارانه جامعه و شرایط حاکم بر آن میکند. در این دیدگاه زمانی که در جامعه با نابرابری قدرت میان زنان و مردان روبرو هستیم و مردان در موقعیت های دارای قدرت در جامعه قرار دارند و زنان موقعیت های دست پایینی جامعه را اشغال می کنند. بازتاب نابرابری قدرت در جامعه به شکل خشونت ظاهر می شود اما در عین حال باید توجه داشت که خشونت تنها بازتاب نابرابری قدرت نیست بلکه به عنوان عاملی برای حفظ و نگه داری روابط نابرابر قدرت موجود نیز عمل می کند. (اعزازی، ۱۳۸۰)

### **بخش نهم: انواع خشونت**

به طور کلی با توجه به نظریه ها و پژوهش های انجام شده در خصوص خشونت، می توان به دسته بندی های زیر اشاره نمود:

الف) خشونت روانی : به هر نوع رفتار و گفتار خشنی اطلاق می شود که سلامت روانی افراد را با خطر مواجه می سازد، که از آن جمله می توان به انتقاد نا روا، اهانت و تحقیر، فحاشی، تهدید به طلاق و محدود کردن آزادی اشاره کرد. غالب خشونت ها که بر علیه زنان اعمال می شود، از نوع خشونت روانی است.

ب) خشونت فیزیکی: هر نوع خشونتی که هدفش آسیب رساندن و صدمات جسمانی باشد، مانند کتک گاری، خفه کردن، شکنجه، قتل و غیره...  
 خ) هر نوع رفتاری که به برقراری رابطه جنسی با زن بر خلاف میل او منجر شود و یا موجب وارد شدن صدمه جنسی به زن شود، مانند مزاحمت های تلفنی و حضوری فحشاء، اجبار به ارتباط جنسی نامطلوب و ارتباط جنسی در زمان بار داری و عادت ماهانه  
 د) خشونت مالی: هر نوع رفتار خشونت آمیزی که موجب تحت فشار قرار دادن، آزار و تبعیض مالی شود، مانند عدم تامین نیاز های مالی خانواده، فروش وسایل و اثاثیه خانه و... (جلالی و دیگران، ۱۳۸۵)

### بند اول: خشونت سفید یا خشونت اینترنتی

در گذشته، تعقیب، متلک گفتن و فحاشی در کوچه و خیابان بود که زنان را آزار می داد، با ظهور تکنولوژی های روز، انواع آزار و مزاحمت اینترنتی، ارسال عکس ها و پیغام هایی که مصداق آزار جنسی هستند و سوءاستفاده و انتقام گیری مجازی هم به آنها اضافه شده است. موضوعی که منحصر به ایران نیست و هشدار سازمان ملل را هم در پی داشته؛ سازمان ملل اعلام کرده اینترنت به فضای تازه ای برای خشونت علیه زنان تبدیل شده و در شرایطی که میزان خشونت علیه آنها به طرز نگران کننده ای بالاست، خشونت در فضای مجازی هم رواج پیدا کرده و زنان در تویتر، اینستاگرام، فیس بوک و... به مسائل مختلفی تهدید می شوند.

نگاه کوچکی به خبرها نشان می دهد کم نیستند مواردی شامل باج خواهی و تهدید به بی آبرویی با انتشار عکس و اطلاعات شخصی، ردیابی و آزار مداوم، متلک گویی، درخواست رابطه جنسی و اجبار به برقراری رابطه، کلاهبرداری و بسیاری از مصادیق دیگری که همه آنها تحت عنوان «خشونت آنلاین»، «خشونت اینترنتی» یا «خشونت سفید» شناخته می شوند. جالب اینجاست که حتی با این که تکنولوژی تا حدودی فاصله های طبقاتی و جنسیتی را کم کرده، اما باز هم مانند سایر خشونت ها، بیشترین قربانیان خشونت اینترنتی را زنان تشکیل می دهند که گاهی زندگی خانوادگی و اجتماعی آنها را شدیداً با چالش مواجه می کند. شاید مهمترین نمونه های این اتفاق را بتوان پسر جنجالی تلگرام دانست که انتشار عکس هایش با تعدادی از دختران در شبکه های اجتماعی خبرساز شد و برای این دختران مشکلاتی را به وجود آورد یا ماجرای مینو خالقی که انتشار عکس های شخصی

منتسب به او، سبب شد حتی بعد از رای آوردن در انتخابات مجلس، از راه یافتن به ساختمان بهارستان و فعالیت سیاسی بازماند و dh هنرپیشه‌هایی که به دلایل مختلف آماج حمله‌های تند کلامی و جملات زننده قرار می‌گیرند.

جدول (۱) نمونه‌هایی از خشونت‌هایی که علیه زنان از طریق فضای مجازی

شرح واقعه	تاریخ و محل
دستگیری پسر ۲۲ ساله که با ارسال مداوم و آزاردهنده عکس پای کثیف، جوراب کهنه و اشیای تهوع‌آور دیگر از طریق شبکه اجتماعی اینستاگرام برای دختر جوان مزاحمت ایجاد می‌کرد	۱۳ خرداد ۱۳۹۵
همکلاسی مزاحم که در شبکه‌های اجتماعی برای زن جوان ایجاد مزاحمت می‌کرد، شناسایی و دستگیر شد	۴ خرداد ۱۳۹۵
تهدید به سوزاندن دختری که برای بازی پرسپولیس-راه‌آهن به استادیوم رفت	۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵
دستگیری زنی که به دلیل اختلاف خانوادگی، اقدام به توهین و افترا علیه شوهرش در شبکه اجتماعی تلگرام کرده بود	۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵
پسر جوانی که با دست پیدا کردن به شماره همسر مدیر یک کارخانه، برای آنها ایجاد مزاحمت و تقاضای پول کرده بود دستگیر شد	۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵
دستگیری جوان ۲۳ ساله که خواستگار قبلی زن جوان بود و با هک کردن تلگرام و ارسال عکسهای شخصی این زن و القای خیانت او به همسرش، باعث اختلاف خانوادگی شد	۹ اردیبهشت ۱۳۹۵
دستگیری شاگرد یک مغازه موبایل‌فروشی؛ او عکس‌های یک دختر شیرازی را که برای تعمیر موبایل خود به او مراجعه کرده بود، در فضای مجازی پخش کرده بود	۲۸ فروردین ۱۳۹۵
شوهر سابق یک زن که اقدام به ایجاد توهین و مزاحمت برای وی در فضای مجازی کرد دستگیر شد. این مرد انگیزه خود از انجام این کار را انتقام‌جویی دانست چراکه همسر سابقش از وی «مهریه» می‌گیرد!	۲۳ فروردین ۱۳۹۵
دانشجویی که به خاطر نمره پایین، با ایجاد پیام‌های غیراخلاقی در تلگرام، مزاحم استاد زن شده بود دستگیر شد	۲۲ فروردین ۱۳۹۵
فردی که با تهدید دختر جوان به افشای اسرار و مطالب خلاف عفت عمومی علیه وی در تلگرام نقشه باجگیری ۷۰ میلیونی طراحی کرده بود به دام افتاد	۲۱ فروردین ۱۳۹۵

بدیهی است مواردی که در جدول بالا به آنها اشاره شد، تنها مشتی نمونه خروار و بخشی از دایره‌ای است که شعاع بزرگتری از زنان را شامل می‌شود؛ اما با فرهنگ پنهان‌کاری از ترس آبرو، بسیاری از این موارد گزارش داده نمی‌شود و به جای پیگیری، با باج دادن به فرد مزاحم، بر این آزار سرپوش گذاشته می‌شود.

### بند دوم: خشونت آنلاین؛ ناهنجاری اجتماعی نوپدید

این خشونت‌ها همیشه هم برای کسب منفعت خاصی نیستند، بلکه گاهی از روی ناآگاهی انجام می‌شوند و در مواردی ریشه در دور کردن زنان از فضاهای عمومی دارند. این فضای عمومی که حالا جایش را از خیابان به اینترنت داده، قلمرویی است که در بعضی فرهنگ‌ها تسلط مردانه‌ای بر آن حاکم است و عده‌ای تلاش می‌کنند همچنان این سیطره قدرت حفظ شود؛ به عنوان مثال، انواع شوخی‌های زننده در قالب طنز درباره زنان یا استیکرهایی که از روی عکس زنان ساخته می‌شد و عده‌ای را مجبور کرد به خاطر ترس از تبدیل عکشان به استیکرهای خنده‌دار یا مستهجن، در پروفایلشان هر عکسی قرار دهند به جز آنچه بیانگر هویت خودشان است.

موضوعی که دکتر مهناز امیرپور، جامعه‌شناس، درباره آن می‌گوید: این شبکه‌ها یکی از دستاوردهای عصر اطلاعات و ارتباطات بوده و ارمغان آن‌ها برای جوامع، ترکیبی از فرصت‌ها و تهدیدهاست. با افزایش اطلاعات و ارتباطات اجتماعی، امید افراد بالا رفته و زمینه مشارکت، آموزش و زمینه‌های ارتباطاتی را فراهم کرده، اما از سوی دیگر خشم را نیز ایجاد کرده و سبب شده در این فضای سایبری، کنشگران انواع خشونت‌های زبانی، جنسی، عاطفی، روانی و... را نسبت به یکدیگر ایجاد کنند و در این بین زنان به عنوان قشر آسیب‌پذیرتر جامعه در کانون این خشونت‌های آنلاین قرار گرفته‌اند.

وی خشونت سفید یا آنلاین را یک نوع ناهنجاری اجتماعی نوپدید توصیف می‌کند و می‌گوید: آسیب‌های خشونت‌های آنلاین کمتر از دیگر انواع خشونت‌های فیزیکی نیست، ولی به نظر می‌رسد تا زمانی که افراد جامعه خود در دام آزار جسمی، جنسی، بی‌آبرویی و کلاهبرداری نیفتاده‌اند، از این آسیب اجتماعی غفلت می‌کنند.

این جامعه‌شناس همچنین اشاره می‌کند: به دلیل ماهیت فضای مجازی که امکان انتشار سریع و فراگیر مطالب، عکس‌ها و فیلم‌ها را به افراد می‌دهد، قربانی در موقعیتی قرار

می‌گیرد که برای پیشگیری از آبروریزی احتمالی مجبور می‌شود به ارتباطی تن بدهد که تمایلی به آن ندارد. این خشونت چنان تأثیر عمیقی بر سلامت روانی افراد بر جای می‌گذارد که به هیچ وجه نمی‌توان از کنار آن بی‌تفاوت گذشت و تصور کرد اتفاق خاصی روی نداده است.

عده‌ای درباره این خشونت‌ها معتقدند به دلیل این که زنان، بخش زیادی از اعضای این شبکه‌ها هستند، این خطرها بیشتر آنها را تهدید می‌کند و برای کاهش این آسیب‌ها، استفاده کمتر از شبکه‌های ارتباطی تلگرام، اینستاگرام و... را پیشنهاد می‌دهند. اما دکتر سید یعقوب موسوی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا در این زمینه می‌گوید: این حضور زیاد زنان در فضای مجازی جای تعجب ندارد. از آنجا که زنان فرصت کمتری برای حضور اجتماعی و فرهنگی دارند، مدام زیر ذره‌بین‌های کنترلگر هستند و زمینه برای فعالیت آنها به اندازه مردان فراهم نیست بنابراین بیشترین استفاده‌کنندگان از فضاهای مجازی می‌شوند.

این جامعه‌شناس با اشاره به این که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند مانند یک دانشگاه عمومی مجازی عمل کرده و کلاس درس توده‌های مردم شوند، درباره آسیب‌هایی که به همراه دارند، می‌گوید: این مسائل به دلیل ناآشنایی با استفاده صحیح از چنین فضاهایی است. یعنی ما وسیله‌ای را داریم ولی فرهنگ استفاده از آن را نداریم. ضمن این که سرخوردگی‌ها، شتاب‌زدگی‌ها، هیجان برای اعلام حضور و نبودن فضای فرهنگی، اجتماعی و حتی تفریحی لازم به این موارد دامن می‌زند.

دکتر موسوی تأکید می‌کند: در زمینه استفاده از فضای مجازی در مرحله آزمون و خطا هستیم. در آینده کاربران این ابزارها به این نتیجه می‌رسند که چطور باید از آنها استفاده کرد و در شیوه‌های موجود اصلاح و بازاندیشی صورت می‌گیرد. از آنجا که این ابزارها وارداتی است، درباره استفاده از آنها آسیب‌پذیریم و کمی طول می‌کشد تا فرهنگ استفاده از آن به دست بیاید. تجربه نشان داده قطع و محدود کردن این ابزارها فایده‌ای ندارد؛ همانطور که در ویدئو و ماهواره این موضوع را شاهد بودیم. باید به فکر راه‌های مناسب برای فرهنگ‌سازی بود.

**بخش دهم: مجازات خشونت‌های اینترنتی در قانون چیست؟**

اما در کنار کار فرهنگی، نقش حمایتگر قانون در این زمینه چیست و آیا پلیس فتا می‌تواند با استنادات قانونی کافی، با این مزاحمت‌ها برخورد جدی و قاطعانه داشته باشد؟ جدول (۲) نگاهی به بعضی از مواد قانونی مطرح شده در قانون مجازات جرایم رایانه‌ای که با استناد به آنها، فردی که جرم اینترنتی انجام داده مورد مجازات قرار می‌گیرد؛

شرح ماده قانونی	فصل‌ها و مواد قانونی
هرکس به طور غیرمجاز داده‌های متعلق به دیگری را بریابد، چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.	فصل سوم؛ سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه / ماده ۱۲
هرکس به طور غیرمجاز از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سیستم وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر رد مال به صاحب آن به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.	فصل سوم؛ سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه / ماده ۱۳
هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.	فصل چهارم؛ جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی / ماده ۱۴
هرکس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: الف) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو تا پنج میلیون ریال است.	فصل چهارم؛ جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی / ماده ۱۵



شرح ماده قانونی	فصل‌ها و مواد قانونی
<p>ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کند یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات.</p>	
<p>هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.</p> <p>تبصره - چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.</p>	<p>فصل پنجم؛ هتک حیثیت و نشر اکاذیب/ ماده ۱۶</p>
<p>هرکس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.</p>	<p>فصل پنجم؛ هتک حیثیت و نشر اکاذیب/ ماده ۱۷</p>
<p>هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سیستم رایانه یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقام‌های رسمی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این‌که از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.</p>	<p>فصل پنجم؛ هتک حیثیت و نشر اکاذیب/ ماده ۱۸</p>

با این همه، هرچند در کنار این مواد قانونی، موادی از قانون مجازات اسلامی هم هست که می‌توان درباره انواع مزاحمت از آنها کمک گرفت؛ اما از آنجا که بیشتر این جرایم علیه زنان صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد لازم است حمایت‌های قانونی بیشتری از آنها وجود داشته باشد؛ خلائی که درباره خشونت خانگی و حمایت از زنان آسیب‌دیده در خانه هم احساس می‌شود.

### **بخش یازدهم: خشونت بر علیه زنان در مقابل خشونت و راه حل های قانونی و حقوقی**

خشونت بر علیه زنان به صورت های مختلف مثل فحاشی، ضرب و شتم بدنی، تهدید و بی توجهی به نیازهای جسمی و روانی و خرد کردن شخصیت زن در جمع، خود را در خانواده ها نشان می دهد و در کشورهای مختلف نوع خشونت و میزان آن متفاوت می باشد. در کشورهایی که خشونت بر علیه زنان به عنوان رفتاری هماهنگ فرهنگ امری شایسته و پسندیده نمایانده شده است علی الخصوص در کشورهای مردسالار. در جوامع سنتی، قیود خانوادگی، آداب و رسوم و سنت های دیرپای اجتماعی حتی در بدترین شرایط مانع از دادخواهی زنان است. ((شهلا معظمی)) در غالب جوامع از میزان معینی از خشونت چشم پوشی می شود. حتی گاه قوانین بعضی کشورها نیز بر آزاردیدگی زنان صحنه می گذارند و آن را حق قانونی مردها می پندارند. بعضی آداب و رسوم ها در بعضی مناطق حق بسیاری را حتی حق همسرکشی را به مردان می دهد. آداب و رسوم قبیله ای یکی از عوامل خشونت بر علیه زنان و به دنبال آن سکوت زنان و عدم دادخواهی را به دنبال خواهد داشت. اثر خشونت بر پیکره خانواده: درباره آثار آن می توان به اضطراب، ترس، تیک های عصبی، کاهش اعتماد به نفس اشاره کرد و در بلند مدت افراد خانواده را خشونت پذیر می کند. از علل سکوت زنان در مقابل خشونت، قداست و حفظ زندگی و آینده فرزندان می باشد که در زنها نهادینه شده به عنوان ارزش که باعث می شود زن در برابر خشونت بر علیه زنان (فیزیکی و روحی) سکوت را انتخاب کند. برای بهبود وضعیت کسانی که در معرض این گونه بد رفتاری ها هستند و همچنین ریشه کن کردن قطعی خشونت نیازمند اقدامات جدی می باشیم:

## ۱. قانون و خشونت: آیا نظام عدالت کیفری در امر مبارزه با خشونت های

### خانوادگی دارای ساختار مناسبی است یا خیر؟

پاسخ این سوال با توجه به ارزش های موجود در هر جامعه متفاوت می باشد چون همانطور که می دانیم با نگاه به قوانین موجود در هر کشور می توان به لایه های نهانی و ارزش های بنیادی هر کشور پی برد. در مقام مقایسه می توان دو کشور کانادا و هند را مقایسه کرد.

### به طور کلی در پاسخ به این سوال ۲ دیدگاه وجود دارد

دیدگاه اول: مدافعان رد مقابله با سوءرفتار علیه زنان با توسل به قوانین کیفری و تاکید بر سازش، میانجیگری یا روش های درمانی و یا خدمات رفاهی می کنند و دخالت قانون از طریق بازداشت، تعقیب و مجازات را مردود می دانند. توسل به قوانین کیفری را به مثابه آخرین حربه می دانند.

دیدگاه دوم: مدافعان استفاده و دخول قوانین کیفری در درگیری های خانوادگی. طرفداران این نظریه خواهان برخورد با پدیده خشونت بر علیه زنان به شیوه مشابه با جرایم دیگر هستند. استدلال دیدگاه اول: که قوانین کیفری بیشتر جنبه تنبیهی دارند نه تربیتی و فاقد برنامه هایی که مثلا بتواند به مردان آموزش لازم برای کنترل تهاجمشان توسط خود آن ها را بدهد. استدلال دیدگاه دوم: آن ها مدعی اند که رسیدگی جزائی در زمینه سوءرفتار آن گونه که فعلا صورت می گیرد ممکن است ناقص باشد. به ادعای این گروه چون دادرسی کیفری دارای قوه قهریه می باشد تنها راه حلی که باعث از بین رفتن خشونت می باشد و مانع از تکرار جرم می شود. اما آنچه که در رویه مشاهده می شود نشان دهنده غلبه دیدگاه نخست می باشد و بیشتر قضات در برخورد با بدرفتاری با زنان به عنوان یک مسئله کیفری با شکست مواجه شده و در مواردی که فرد مهاجم بازداشت و محکوم می شود مجازات وی محدود به جریمه یا حبس کوتاه مدت است.

طبق تحقیقی که صورت گرفته (در سال ۱۳۸۰) در باب همسر کشی نشان می دهد زنان در دو صورت مباشر قتل محسوب می شوند:

۱. خشونت بیش از حد مردان

۲. اکراه و عدم علاقه زن به شوهر و امتناع شوهر از طلاق دادن

در سال های اخیر تعداد کشورهایایی که تابع دیدگاه دوم هستند رو به افزایش می باشد و این کشورها با قاطعیت اعلام کرده اند که خشونت خانوادگی جرم بوده است و اعتقاد خود را با تصویب مقررات قانونی خاصی از قبیل بازداشت اجباری و پیگرد کیفری که ضمانت اجرای این جرم انگاری می باشد به اثبات رسانده اند. مثل کانادا، در این کشور حتی مجنی علیه اگر شکایت خود را پس بگیرد تدابیر دولتی اندیشیده شده است و صرف پس گرفتن شکایت، فرد مهاجم رها نمی شود.

بهترین روش: روشی است که به دست کمیسیون اصلاح قوانین استرالیا خلاصه شده است: "ایجاد هماهنگی میان هردو رویکرد کیفری و مشاوره ای ناممکن نیست. وقتی که گفته می شود برخورد با مرتکبان خشونت خانوادگی باید دقیقاً مشابه برخورد با دیگر مجرمان باشد، به این معنا نیست که باید به زندان فرستاده شوند. بلکه به گونه منعطف تری باید با آنها برخورد شود و در کیفر فرد عوامل فراوانی را مد نظر قرار می دهند. ( آشوری و معظمی، ۱۳۸۰)

### بخش دوازدهم: راه حل های قانونی و حقوقی درباره ی خشونت بر علیه زنان

۱. طلاق (جدایی): پایان دادن به زندگی مشترک زناشویی از طریق طلاق، راه حلی است که در قبال مسئله خشونت خانوادگی به کار می رود و قوانین مربوط به طلاق از کشوری به کشور دیگر متفاوت می باشد. به طور مثال در مذهب کاتولیک طلاق ممنوع است در حالیکه پروتستان ها و ارتدوکس ها آن را پذیرفته اند. در اسلام با همه توصیه هایی که به حفظ خانواده و احتراز از طلاق شده است، از نظر حقوقی مرد می تواند هر گاه بخواهد زن خود را طلاق دهد و زن نیز اختیار دارد تا در موارد خاص ( غیبت طولانی و بی خبری از شوهر و...) از دادگاه درخواست طلاق نماید. ( کاتوزیان، ۱۳۷۵)

۲. اقامه دعوی تخلف مدنی: فردی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته می تواند علیه مرتکب جرم به خواسته جبران نقدی ضرر و زیان وارده، اقامه دعوی کند. بدین ترتیب زنی که با خشونت همسرش مواجه می شود می تواند تحت عنوان شبه جرم یا خلاف به اقامه دعوا مبادرت ورزد.

## نتیجه گیری

پس از بیان در این مقاله سعی شده است عوامل موثر در خشونت بر علیه زنان و سپس تاثیر آن بر پیکره خانواده را بررسی کنیم و سپس به بیان دلایل سکوت زن در مقابل خشونت بپردازیم و در انتها به ارائه راه حل های حقوقی و اثر حقوقی این خشونت بپردازیم. و آثاری که بر پیکره خانواده دارد باید گفت خشونت بر علیه زنان عمومی و فراگیر است و پنهان نگه داشتن و سکوت در مقابل آن نه تنها از آن نمی کاهد بلکه واکنشی فعال در عرصه جهان می طلبد. پس می توان از راه کارهای حقوقی حقوقی و قانونی بر علیه آنها استفاده نمود. (کسانی که مرتکب خشونت می شوند) البته تنها راه کارهای حقوقی چاره ساز نخواهد بود و نیازمند واکنش اجتماعی و بهداشتی و روانی و همچنین تربیت و اصلاح مهاجم نیز هستیم. چون این مسئله تنها یک مسئله حقوقی نمی باشد بلکه مسئله ای اجتماعی است و نیازمند واکنش و اقدامات همگانی می باشد. امروزه خشونت علیه زنان به موضوعی بین المللی تبدیل گردیده، انعکاس اخبار مربوط به خشونت علیه زنان در گوشه و کنار جهان با توجه به گستره وسیع اطلاعاتی موجب حساس سازی افکار عمومی شده است بی شک این موضوع می تواند انگیزه ای برای سیاست گذاران و تصمیم سازان در سطح کلان برای مبارزه علیه خشونت باشد اما متأسفانه هیچگونه آمار یا گزارش رسمی درباره فراوانی و نوع خشونت و سوء رفتار علیه زنان در کشور موجود نیست. از طرفی هنوز در جوامع سنتی قیود خانوادگی، آداب و رسوم و سنت های دیرپای اجتماعی عامل بسیار مهمی در جهت عدم ابراز دادخواهی زنان است، ترس از تنهایی و از دست دادن فرزندان، ترس از عدم حمایت های قانونی و اجتماعی، ترس از عدم تامین نیاز های اقتصادی، فشار های خانواده و اطرافیان، ترس از سرزنش بخاطر گسستن کانون خانوادگی که همواره زنان موظف به حفظ آن به هر ترتیب هستند، و بسیاری دلایل دیگر زنان را وادار به زندگی در بدترین شرایط می کند. در نظر گرفتن این عوامل پذیرش خشونت در انواع اشکال آن از سوی زنان توجیه می گردد. از سوی دیگر، ساختارها و عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به صورت زنجیری بهم پیوسته ساختاری را بوجود می آورند که در آن ضعف زنان در ابعاد ذکر شده با ضعف آنان در محیط خانواده و عدم قدرت و آسیب پذیری زنان در کل نظام اجتماعی و در

مواجهه با مردان مربوط شده و در مجموع شرایطی برای زنان پیش می‌آید که آنان را ناچار به پذیرش هم‌درخانه و هم‌ازسوی جامعه می‌سازد.



## منابع و مأخذ

۱. ابوت، پاملا و کلروالاس ( ۱۳۸۰ ) جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران : نشرنی.
۲. اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰)، « خشونت خانوادگی - خشونت اجتماعی » جزوه شماره ۷، انتشارات : دانشگاه علامه طباطبایی
۳. اعزازی، شهلا. (۱۳۸۳)، ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۱۴، سال چهارم
۴. آشوری، محمد و شهلا معظمی ( ۱۳۸۰ ) همسر کشی و انگیزه های آن ( تحقیقی در ۱۵ استان کشور )، موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
۵. جلالی، داریوش ورهبریان، جهانبخش ( ۱۳۸۵ ) خشونت علیه همسران معتاد، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، سال ششم : ۱۵۱
۶. زهروی ( ۱۳۷۹ ) خشونت علیه زنان در استان سیستان و بلوچستان ( تحقیقی در ۵ استان و جنوب شهر تهران ) ناظر ملی طرح : مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری
۷. سازمان جهانی بهداشت ( ۱۳۸۰ )، خشونت بر علیه زنان، ترجمه شهرام رفیعی پور وسعید پارسی نیا، تهران : نشر تندیس
۸. شریفیان، اکبر ( ۱۳۸۵ ) بررسی عوامل موثر بر خشونت خانگی، رساله دوره دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه
۹. شهنی ییلاق، منیجه ( ۱۳۷۶ )، رابطه بزخی عوامل جمعیت شناختی با خشونت مردان نسبت به همسران خود در شهرستان اهواز، مجله علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۱
۱۰. فوکو، میشل ( ۱۳۷۸ ) دانش و قدرت، ترجمه محمد ضمیران، تهران : هرمس
۱۱. قهاری، شهربانو. (۱۳۸۱)، بررسی مشکلات روانپزشکی در زنان قربانی خشونت های خانگی، خلاصه مقالات اولین همایش روان شناسی بالینی

۱۲. مامسن، جنت هنشل (۱۳۷۸) جنسیت و توسعه، ترجمه زهره فنی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران
۱۳. معظمی، شهلا (۱۳۸۳)، « جرم شناسی خشونت خانگی همسر کشی در سیستان و بلوچستان » پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲
۱۴. نازپرور، بشیر (۱۳۸۱) « همسر آزاری » پژوهش زنان، شماره ۳، ص ۲۵-۴۲
۱۵. ولد، جرج، توماس برناردو جفری اسپینس (۱۳۸۰) جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران: سمت
۱۶. هام، مگی و سارا گمبل (۱۳۸۲) فرهنگ نظریه های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر و نوشین احمدی خراسانی تهران: نشر توسعه

